

Explaining the importance of the scientific Moqfat of Rashidiye and Rokniye schools in Yazd

Roya Zarrabi Hezarvand*

Ali Bahranipour**

Abstract

Khaja Rashideddin Fazlollah Hamedani is considered to be one of the influential figures in the process of reviving the Waqf tradition in the Ilkhanid era. In order to have a high position in the judicial organization of this period, he was able to expand scientific Moqfat in various areas such as Yazd. Khaja Rashideddin ordered the construction of Rashidiye school in Yazd and in order to resolve the material needs of the students of science and provide for the expenses of the school, he dedicated various places such as fields and lands, aqueducts, gardens, shops and markets for it. In continuation of these scientific Moqfat in the Yazd region, Sayyed Rokneddin Qazi Hoseini Yazdi established the Rokniye School in Yazd and endowed important places such as a bathhouse, a shop, a market, an aqueduct and numerous caravanserais for its expenses. In this research, we are investigating the importance of the scientific Moqfat of Khaja Rashideddin in Yazd region with regard to the establishment of Rashidiye School and the establishment of Rokniye School in Yazd. Considering the importance of this research problem, the current issue will be addressed with a descriptive-analytical approach and relying on library sources.

Key words: Khwaja Rashiduddin Fazullah Hamdani, Yazd, Rukniyeh School, Waqf.

*. Master of Iranian Islamic History, Shahid Chamran University of Ahvaz
msc.zarabi@gmail.com

** . Associate Professor, Department of History, Shahid Chamran University, Ahvaz.
bahranipour@hotmail.com



شرح أهمية الأوقاف العلمية لمدرستي الراشدية و الركنية في يزد

روبا ضرابى هزاروند*

على بحراني بور**

الخلاصة

يعتبر الخواجة رشيد الدين فضل الله الحمداني من الشخصيات المؤثرة في إحياء سنة الوقف في العصر الإيلخاني. ونظراً لمكانته الرفيعة في التنظيم القضائي في هذه الفترة فقد تمكن من توسيع الأوقاف العلمية في مناطق مختلفة مثل يزد. أمر الخواجة رشيد الدين ببناء المدرسة الراشدية في يزد و من أجل تلبية الاحتياجات المادية لطلبة العلم و توفير نفقات المدرسة فقد قام بوقف أماكن مختلفة مثل الحقول و الأراضي و القنوات و الحدائق و المحلات التجارية و الأسواق لهذا الغرض. و استمراراً لهذه الأوقاف العلمية في منطقة يزد، أسس السيد ركن الدين القاضي الحسيني اليزدي المدرسة الركنية في يزد و لتغطية نفقاتها فقد خصص أماكن مهمة مثل الحمامات و المحلات التجارية و البازارات و القنوات و العديد من الخانات. تتناول في هذا البحث أهمية الأوقاف العلمية للخواجة رشيد الدين في منطقة يزد فيما يتعلق بإنشاء المدرسة الرشيدية و ما تلاها من إنشاء المدرسة الركنية في يزد. نظراً لأهمية هذا البحث فسوف يتم تناول الموضوع الحالي بالمنهج الوصفي التحليلي و بالاعتماد على المصادر المكتبية.

الكلمات المفتاحية: الخواجة رشيد الدين فضل الله الحمداني، يزد، المدرسة الركنية، الوقف.

*. ماجستير في التاريخ الإسلامي الإيراني، جامعة الشهيد جمران، الأهواز

msc.zarabi@gmail.com

** .أستاذ مشارك، قسم التاريخ، جامعة الشهيد شمران، الأهواز

bahranipour@hotmail.com

تبیین اهمیت موقوفات علمی مدرسه‌های رشیدیه و رکنیه یزد



رویا ضرابی هزاروند*
علی بحرانی پور**

مقاله پژوهشی

چکیده

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی از شخصیت‌های تأثیرگذار در روند احیای سنت وقف در عصر ایلخانی محسوب می‌شود. وی به جهت برخورداری از جایگاه رفیع در تشکیلات دیوانی این دوره توانست موقوفات علمی را در مناطق گوناگون همچون یزد گسترش دهد. خواجه رشیدالدین دستور ساخت مدرسه رشیدیه را در یزد داد و به جهت برطرف کردن نیازهای مادی طلاب علم و تأمین مخارج مدرسه، مکان‌های مختلف همچون مزارع و اراضی، قنات، بستان‌ها، دکان و بازاری را برای آن وقف کرد. در ادامه این موقوفات علمی در خطه یزد، سید رکن‌الدین قاضی حسینی یزدی، مدرسه رکنیه یزد را تأسیس و اماکن حائز اهمیت مانند حمام، دکان، بازار، قنات و کاروان‌سراهای متعددی را برای مخارج آن وقف کرد. در این پژوهش در پی بررسی اهمیت موقوفات علمی خواجه رشیدالدین در منطقه یزد با توجه به احداث مدرسه رشیدیه و در پی آن ایجاد مدرسه رکنیه یزد هستیم. با توجه به اهمیت مسئله این پژوهش با رویکرد توصیفی - تحلیلی و با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای به موضوع حاضر پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، یزد، مدرسه رکنیه، وقف.



مقدمه

وقف به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی نقش بسیار مهمی در توسعه حیات فرهنگی و تمدن ایرانی - اسلامی داشته است. نهاد وقف با ورود اسلام به ایران تقویت و رواج بیشتری پیدا کرد. در قرون اولیه سلسله‌های ایرانی اهتمام خاصی به این نهاد داشته‌اند. در دوره سلاطین ترک (غزنویان و سلجوقیان و خوارزمشاهان) به‌ویژه دوران سلجوقیان و با اقدامات خواجه نظام‌الملک در احداث مدارس نظامیه وقف و موقوفات گسترش بیشتری یافت. اما با فرا رسیدن دوران پرتلاطم هجوم مغول این نهاد؛ مانند سایر نهادهای تمدنی به‌شدت آسیب دید، اما با تأسیس حکومت ایلخانان، خاصه از زمان اسلام آوردنشان این سنت اسلامی احیا شد و اوقاف از غضب خارج شدند و به صاحبانشان بازگردانده شدند و قدرت‌گیری وزیران ایرانی همچون خواجه نصیرالدین طوسی و مخصوصاً خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی جریان وقف از رکود خارج شد و نسبت به دوران قبل به شکوفایی و گسترش بیشتر رسیده بود. در این زمان موقوفات زیادی به دلایلی همچون رهایی از مصادره، معافیت‌های مالیاتی و انگیزه دینی و غیره شکل گرفت و از محل عایدات همین موقوفات فعالیت‌های عمرانی، آموزشی، علمی، اقتصادی و خدمات گوناگون اجتماعی بسط و رونق فراوان یافت.

یکی از مراکزی که در این دوره بر اثر عایدات موقوفات رونق فراوان گرفت مدارس و مراکز علمی ایجاد شده در قلمرو حکومت ایلخانان بود که مهم‌ترین این مراکز (ربع رشیدی، شنب‌غازان، رصدخانه مراغه، مدرسه حله عراق، مدارس یزد، اصفهان و غیره) بودند. خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در ایجاد و تقویت بزرگ‌ترین موقوفات دوره ایلخانان برای مراکز علمی به نام شنب‌غازان و ربع رشیدی تأثیر شگرف گذاشت که موقوفات بسیار بزرگی از جمله مدرسه رکنیه یزد برای آنها نیز تعیین و استفاده شده بود.

۱. معرفی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

رشیدالدین فضل‌الله همدانی ملقب به «طیب» (۶۴۵ تا ۷۱۸ ق) رجل سیاسی نامی ایران و بزرگترین مورخ ایرانی که عالم به جمیع علوم عصر خود بود (پطروشفسکی، ۱۳۶۳: ۱۴۸). خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی فرزند عمادالدوله ابوالخیر و نواده موفق‌الدوله همدانی است. جد او موفق‌الدوله با خواجه نصیرالدین طوسی در قلاع ملاحده قهستان به سر می‌برد و پس از تسلیم آن قلاع، او نیز به خدمت مغول پیوست.

در پایان وقفنامه ربع رشیدی و نیز در حاشیه چندین صفحه از آن، رشید نام آن خود را چنین نوشته است که در حقیقت امضای اوست "فضل الله بن ابوالخیر علی المشتہر بالرشید طبیب الهمدانی". نخستین بار به عنوان طبیب، به دربار اباقاخان پیوست و یا به قول منشی کرمانی "در عهد اباقاخان در سلک منظوران به نظر عنایت پادشاهانه انحراط یافت و در عدد معتبران حکمای زمان منظم شد". در عهد ارغون، در مرتبه و پایه اش ترقی کرد. در عهد گیخاتو، وزارت را به او پیشنهاد می‌کنند؛ ولی آن را نمی‌پذیرد. سرانجام در سال (۶۹۷ ق) غازان خان نیابت امور و منصب وزارت و صاحب دیوانی را به رشیدالدین فضل‌الله و خواجه سعدالدین ساوجی می‌سپرد. این دو با تشریک مساعی هم اداره امور سرزمین وسیع ایلخانی را به عهده می‌گیرند. بعد از فوت غازان خان (بازده شوال ۷۰۳ ق) و روی کار آمدن برادرش سلطان محمد خدابنده (الجایتو) این دو وزیر در مقام وزارت باقی ماندند (بروشکی، ۱۳۷۴: ۲۱-۲۲).^۱

رشیدالدین در طول خدمت دیوانی و زمان وزارت خود در مدت ۲۱ سال (۶۹۷-۷۱۸ ق) اموال و املاک فراوان جمع آورد، که به روایت خود عواید آن را همه برای دستگاه عظیم وزارت خویش و در راه عمران ولایات و نواحی مملکت و نیز ایجاد و اداره بنیادهای خیریه و دینی و بذل و احسان و اعطای مرسوم و مقرری به علما و زهاد و دیگر صاحبان فضل یا حاجت‌مندان خرج می‌کرد. او در مکاتیب (نامه‌ها و نوشته‌هایش) خود از املاک فراوانی که در بیشتر ولایات ایران و حتی دیگر ممالک مانند توران و شام و یمن و هند فراهم آورده بود یاد می‌کند. رشیدالدین علاوه بر املاک خود، از محل "حق التحریر" (حق‌التقریر) یعنی مالیاتی که درآمد آن به وزیر متعلق بود، حق‌التولیه اوقاف غازانی، جایزه تحریر جامع التواریخ و نیز از محصول و مالیات بعضی ولایات که به او اختصاص یافته بود عوایدی داشت. رشیدالدین بعد از سامان دادن به کار اوقاف و کوتاه ساختن دست متصرفان وغاصبان از آن، برای مدارس و خانقاه‌ها و سایر ابواب‌الخیر موقوفاتی معین کرد. او در نامه‌های خود به حکام و فرزندان کراراً آنان را به عمارت مساجد و خانقاه‌ها و مزارات متبرکه و دیگر بنیادهای خیریه و دینی و سعی در رونق این اماکن سفارش کرد و از عواید خود نیز مبالغی را صرف احسان و انفاق می‌کرد (رجب زاده، ۱۳۵۵: ۳۷-۴۰).

خواجه رشیدالدین، به تقلید از غازان خان و تقریباً به همان عظمت کار وی شنب غازانی در تبریز در محله‌ای که به ربع رشیدی معروف شد، آرامگاهی با متفرعات متعدد

۱. بروشکی، بررسی روش اداری و آموزشی ربع رشیدی، صص ۲۱-۲۲.



بنا کرد که خود شهرکی بود و این مجموعه مرکز همه علوم و فنون زمان گردید. مدرسان، روحانیان، شیوخ، صوفیان، پزشکان، منجمین و علما در این مجموعه ساکن شدند و هر یک در رشته تخصص خود به تحقیق و تدریس پرداختند. خواجه موقوفاتی از اطراف و اکناف مملکت برای آن منظور وقف ربع رشیدی کرد (همدانی، ۲۵۳۶: ۳۷؛ بیانی، ۱۳۷۱: ۲/ ۴۹۴).

رشیدالدین وزیر غازان خان و الجایتو در ایجاد وقف از آنها پیشی گرفت. بیشترین اوقاف او در ربع رشیدی بود که در تبریز ایجاد کرد، برخی دیگر نیز برای ابواب الخیر همدان، یزد، شیراز، کرمان و جاهای دیگر بود و برخی هم در دست فرزندان و دختران و افراد دیگر مذهبی قرار داشت. فهرستی از املاکی که وقف این ابواب البر شده در وقفنامه مورخ ۷۰۹/۱۳۰۹-۱۰ آمده و شامل یزد، همدان، شیراز، اصفهان و موصل بود (لمبتون، ۱۳۹۶: ۱۲۹).

۲. موقوفات مدرسه رشیدی یزد (۷۱۵ هـ.ق)

این مدرسه به دستور رشیدالدین در یزد ساخته شده و متعلقاتی شامل بازار و خانقاه و غیره داشت. خواجه پس از آنکه از یزد به تبریز آمد، خواست تا برای او در یزد عمارتی ساخته شود. مدرسه رشیدی موقوفات بسیار داشت، از جمله موقوفات آن یکی "بازار کاغذیان" واقع در جنب مدرسه بود. کاتب مؤلف تاریخ یزد، اتمام بنا را در سال (۷۱۵ ق) ذکر کرده بود. این مدرسه در مجموعه‌ای متشکل از خانقاه و بازار و کاروان‌سرا که همه به نام خواجه رشید ساخته شد، متصل به میدان "وقت و ساعت" یزد بود. مجموعه مزبور در اواخر قرن یازدهم ویران شده بود (بافقی، ۱۳۴۰، ج ۳: ۱۴۹-۱۴۸؛ سلطان زاده، ۱۳۶۴: ۲۱۷). بسیاری از مزارع و اراضی و سهام قنات‌ها و دکانها و باغهای بسیاری بر آن وقف کردند (فقیه اسفندیاری، ۱۳۹۰: ۱۶۷).

مدرسه و خانقاهی مقابل مدرسه محمدشاه بنا کرد و مولانا مجدالدین حسین حکومت به استقلال کرد و مناره و خانقاه و مناره بین مدرسه و بازار و کاروان‌سرای ساختند، و مقابل مدرسه وردانروز کاروان‌سرای دو طبقه که دارالبیوع اول آنجا بود به اتمام رسید، و بسیار از مزارع و اراضی و سهام قنات و حوانیت و بساتین بر آن وقف کردند، اولادی و خیراتی.

(جعفری، ۱۳۴۳: ۱۱۴-۱۱۵؛ کاتب، ۲۵۳۷: ۱۳۵-۱۳۴)

خواجه برای هزینه این مدرسه، اراضی و قنات‌ها و بستان‌هایی را وقف کرد و در قریه سریزد، دستور داد تا بقعه‌ای بسازند و حق آب اراضی محل و سایر محل‌ها را وقف کند (مستوفی بافقی، ۱۳۴۰: ۳/ ۱۴۹) و بازار در مدرسه مذکور که مشهور است به "بازار کاغذیان"

هم وقف در آن مدرسه کرده بود. اتمام این عمارت در سال (۷۲۵ ق) بود، و عمارت نیکوست (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۱۴-۱۱۵؛ کاتب، ۲۵۳۷: ۱۳۵-۱۳۴).

به نظر می‌رسد که این مدرسه با ملحقاتی مثل بازار و خانقاه و موقوفات زیادی که از طرف خواجه رشید به این مدرسه اختصاص داده شد از جمله مزارع و اراضی، قنات و بستان‌ها، دکان و بازاری به نام کاغذیان که با وقف این بازار دغدغه طلاب و مدرسان برای تهیه کاغذ که یکی از ارکان اصلی تعلیم و تعلم در مدارس بود مرتفع شد و بر مبنای این موقوفات از نظر علمی مدرسان و طلاب توانستند بدون دغدغه مالی و زیر سایه موقوفات رشد و گسترش داشته باشند.

جدول موقوفات اختصاصی مدرسه رشیدی یزد

ردیف	نوع ملک	تعداد	محل	منبع	صفحه
۱	اراضی و مزارع و قنات‌ها	-	یزد و مهریز و قنات حومه	باقفی، جامع مفیدی، ج ۳ / جامع الخیرات، ص ۶۵	۱۴۹
۲	بازار کاغذیان	۱	یزد، جنب مدرسه رشیدی	کاتب، تاریخ جدید یزد	۱۳۵
۳	بازاری در میدان وقت و ساعت	۱	یزد، میدان وقت ساعت	باقفی، جامع مفیدی، ج ۳	۱۴۹
۴	دکان‌ها	-	یزد	نقش مدارس موقوفه در توسعه فرهنگ و تمدن	۱۶۷

خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی در یزد دارای نفوذ و قدرت تام بود. املاک وسیع و کارخانه‌های متعدد داشت. آشنایی خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، با شهر یزد که این آشنایی منجر به ایجاد علاقه و ایجاد ابنیه و آثار زیادی در شهر یزد شد، را به آشنایی وی با خاندان شرف‌الدین علی طیب که از بزرگان وقت یزد بود، مرتبط دانسته‌اند. احترام و ادبی که شرف‌الدین در مقابل وزیر از خود نشان داد، ضمن آنکه تهیه تمام کتب موردنیاز خواجه رشیدالدین سبب به‌وجود آمدن رابطه و علاقه بین او و شرف‌الدین گشت که این علاقه منجر به ایجاد آثار و اختصاص بخش مهمی از اوقاف خواجه به شهر یزد شد. لازم به ذکر است که خواجه علاوه بر شهر یزد در بسیاری از شهرهای ایران نیز دارای موقوفات و آثار به نحوی که از مضامین وقف‌نامه جامع‌الخیرات عاید می‌شود، بود



(افشار، ۱۳۵۴: ۲ / ۵۵۸). در میان افراد بی‌شماری که از مردم شهرها و روستاهای ایران که به امر ساختن مساجد، مدارس، خانقاه و سایر ابواب‌الخیر پرداختند، عده‌ای هم از سادات بودند. یکی از برجسته‌ترین آنها که اسناد و مدارک زیادی هم درباره‌شان وجود دارد، سید رکن‌الدین محمد (م. ۷۳۲ ق) و فرزندش سید شمس‌الدین ابوعبدالله محمد (م. ۷۳۳ ق) بود. آنها جز سادات حسینی و از نوادگان امام جعفر صادق^ع بودند. یکی از اجداد آنها به نام «نظام‌الدین قوام‌الدین شرفشاه»، رئیس یزد و نقیب سادات بود. او در خارج از برج و باروی یزد خانقاهی ساخت. فرزند او قوام‌الدین محمد به‌جای او نقیب شد و یکی از نوادگان او نیز به نام نظام‌الدین علی بن محمود متولی اوقاف رشیدالدین بود. او در سال (۷۰۶ یا ۷۰۷ ه.ق) مفتی الممالک شد (لمبتون، ۱۳۹۶: ۳۵۴-۳۵۳)

۳. مدرسه رکنیه یزد (۷۲۵ ه.ق)

سید رکن‌الدین ابوالمکارم محمد قاضی حسینی یزدی (فرزند قوام‌الدین محمد بن نظام) از رجال مهم یزد و صاحب موقوفات بسیار وسیع بود که تفصیل آن به انضمام آثاری که فرزندش سید شمس‌الدین محمد وقف کرد در وقف‌نامه‌ای موسوم به «جامع‌الخیرات» آمده است (افشار، ۱۳۵۴: ۲ / ۳۹۰).

در وقف‌نامه جامع‌الخیرات، در باب رابطه وقف و تأثیر آن بر مدارس علمیه در یزد مطالب با ارزشی آمده است که: مدرسه رکنیه که در تواریخ محلی یزد، از آن به‌عنوان "ام‌البقاع" مدارس یزد که در هیچ دیاری مانند آن یافت نمی‌شود، نام برده شده بود (کاتب، ۲۵۳۷: ۱۲۲). بنا بر گزارش جامع‌الخیرات این مدرسه در محله "باب‌الوساده" و در جنب مدرسه محمود شاهی قرار داشت، این مدرسه دارای گنبدی بلند بود که در بالای صفا بزرگی قرار داشت که سید رکن‌الدین، آن را برای مدفن و مقبره اولاد و احفاد خود وقف کرده بود، به‌استثنای قسمت کوچکی در وسط گنبد که آن را برای آرامگاه خود اختصاص داده بود. مدرسه دارای حجره‌ها و اتاق‌ها و صفاهایی بود که دورتادور مدرسه قرار داشتند و در وسط آن نه‌ری جاری بود. این حجره‌ها و اتاق‌ها، به طلاب علوم دینی که به‌قصد فراگیری معارف وارد مدرسه می‌شدند، اختصاص یافت (جعفری، ۱۳۴۳: ۱۰۳-۱۰۲؛ کاتب، ۲۵۳۷: ۱۵-۱۶).

سید رکن‌الدین، مرغوب‌ترین املاک و مستملکات و نفیس‌ترین دارائی‌های خود را که شامل: املاک، قنوات، دکان، مزارع، فرش، اثاثیه، حمام، کتاب را وقف این مدرسه کرده

بود (کاتب، ۲۵۳۷: ۱۵). و در جنب مدرسه، مسجدعالی به کاشی تراشیده و درگاه عالی بر آن نهاده و آن را "بیت الادویه" نام نهاده، و در مقابل چاه آب سرد و درگاه به کاشی تراشیده و بر ساحت درگاه از سه طرف موقوفات مدرسه مسطوره کرده و کتب خانه عالی سه هزار کتاب در هر فن پرداخته بود.

هم اکنون در یزد، محله‌ای به نام "وقت و ساعت" موسوم است و میدان واقع در آنجا را نیز به "میدان وقت و ساعت" نام می‌برند. این نام یادگاری از سید رکن‌الدین است و رصدی که متأسفانه هیچ اثری از آن باقی نمانده است. این تسمیه در تاریخ جدید یزد که قریب یک قرن پس از تأسیس رصد تألیف شده نیز آمده است. در جامع مفیدی (تألیف قرن ۱۱ ق) نام محله وقت ساعت و میدان وقت ساعت ذکر شده و معلوم می‌شود که در آن زمان این میدان وجود داشته است. سال تأسیس مدرسه در دو کتاب تاریخ یزد و تاریخ جدید یزد (۷۲۵ ق) ضبط شده است.

سید رکن‌الدین، شرط کرده بود برای تعمیر نه‌ری که در زیر محل رصدخانه کشیده شده اعم از مرمت ممر آب و تنقیه و مصرف روشنایی و چراغ در دو طرف شب همه ساله سالی بیست دینار نقد رایج مصرف شود. همچنین واقف شرط کرده بود که متولی هر ساله آنچه را که اضافه از حقوق مصارف منصوصه باید اضافه را به مولانا پیشوای معظم رئیس پیشوایان علما منورع و پیشوای افاضل و زبده حجاج جمال الله و الدین، محمود بن مرحوم حاجی سعید سعدالدین محمدشاه ابن محمد ثانی تسلیم کند تا معظم له ملکی در حومه یزد و اطراف آن به قیمت عادلانه خریداری کرده و آن را بر مدرسه رکنیه وقف نماید و جزء موقوفات مدرسه قلمداد کرده و بیاورد و پس از وفات او این امر به عهده فرزندش صدرالدین محمد واگذار میشود و بعد از او به متولی بقعه و متصرف موقوفات آن که متولی شرعی است واگذار می‌گردد (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۳۲-۳۳).

سید رکن‌الدین، محبوب‌ترین و مرغوب‌ترین املاک و مستملکات و نفیس‌ترین چیزهایی را که به دست آورده بود همه را وقف نموده است که قسمتی از آنها کتاب‌هایی که در فنون مختلف تصنیف شده و فرش‌ها و اثاثیه و حشم است و قسمتی از آنها مزرعه و ملک و سهام که در بالای دیوار دیوان قضا که بر درب مدرسه نوشته شده است. همچنین در دو ضلع دیوارهای گنبد که در بالای صفا بزرگ واقع است موضوع این صدقه مشهور و اعلام شود و تفصیل و جزئیات آن روشن گردد تا آنکه موضوع آن فراموش نشود (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۴-۱۶).

۱. به معنی داروخانه می‌باشد.



عکس بقعه سید رکن‌الدین یزدی - مدرسه رکنیه منبع:cafesour.ir

۴. موقوفات مدرسه رکنیه

یکی از موارد موقوفات سید رکن‌الدین، وقف مدرسه است. مدارس موقوفه وی به تعداد سه مدرسه بود که دو مورد از آنها در شهر یزد و دیگری در شهر اصفهان قرار داشت. هر کدام از این مدارس دارای بخش‌های مختلفی چون دارالشفاء، کتابخانه، دارالحديث، داروخانه و غیره بودند و افراد زیادی در بخش‌های آموزشی و خدماتی در آنها مشغول به کار بودند.

۴-۱. قنات‌های وقفی بر مدرسه رکنیه

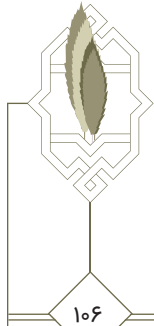
۱- تمام نهصد و چهل و پنج سهم از شانزده هزار و هفتصد و هفتاد سهم که مجموع سهام هر یک از دو قنات تفت و نصیری است و تمام ششصد و پنجاه و هفت سهم از دوازده هزار و هفتصد و چهل سهم که کل سهام قنات مریاباد بود.

۲- تمام چهار هزار و سیصد و چهارده سهم از تمام قنات مرو و تمام چهار صد و هشت سهم از تمام چهارده هزار و چهل سهم که مجموع سهام قنات یعقوبی بود.

۳- تمام هشتاد و پنج سهم از مجموع شانزده هزار و نهصد و هشتاد شش سهم مجموع قنات نرسو باد.

۴- تمام سیصد و سی سهم از شانزده هزار و چهل سهم اصل قنات بادین جدید یا (نادین جدید) و تمام سیصد و سه سهم و نیم از جمله شانزده هزار و ششصد و چهل سهم مجموع قنات ابر.

- ۵- تمام هفتاد و پنج سهم و نیم از جمله شانزده هزار و ششصد و چهل سهم مجموع سهام قنات مبارکه و قنات ابر (قنات مبارکه و ابر با هم جریان داشتند)
- ۶- تمام پانصد سهم از مجموع دوازده هزار و هفتصد و چهل سهم از اصل سهام قنات امیری.
- ۷- تمام سیصد و سی سهم از مجموع شانزده هزار و ششصد و چهل سهم از اصل قنات سهام قنات کتویه.
- ۸- تمام پانصد سهم از مجموع شانزده هزار و هفتصد و هفتاد سهم از اصل سهام قنات سعدآباد با تمام ملعقات و آنچه منسوب به آن است و همچنین سدها و جدولها و چاهها و نهرها و پسته‌کاریها و مجاری آبها و دشت و چیزهای دیگر این قناتها همگی در حومه یزد واقع شده و مستغنی از توصیف زیاد و ذکر و بیان حدود می‌باشد و هر سهمی از آنها باصطلاح ارباب یک جره است و جره آب عبارت از مقدار معینی است که کم و زیاد نمی‌شود.
- ۹- تمام سه سهم مشاع از بیست و چهار سهم (که ثمن تمام مشاع) مجموع قنات مرسوم به قنات رئیس‌الدینی است که منبع آن در صحرای نزدیک فراراه است و آب آن بر اراضی قریه بزرگ تفت و نصیری جاری می‌شود (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۷-۱۶).
- ۱۰- تمام نود و شش سهم از اصل قنات قریه اشکذر از سهام مستر دایه.
- ۱۱- تمام ششصد و هجده سهم مشاع از اصل نوزده هزار و هفتصد و پنجاه سهم قنات مجومرد که بنام مجومرد کهنه نامیده شده بود.
- ۱۲- تمام پنجاه و یک سهم و نیم از مجموع ده هزار و نهصد و بیست سهم اصل سهام قنات حروربر که مشهور به چهارده بود.
- ۱۳- تمام یکصد سهم از مجموع ده هزار و هفتصد و پنجاه سهم اصل قنات بندر آباد.
- ۱۴- تمام یکصد سهم از مجموع ده هزار و هفتصد و پنجاه سهم اصل سهام قناتهای ملک آباد است که این دو قنات متعلق به قریه بندرآباد می‌باشد.
- ۱۵- تمام شصت سهم و نیم از مجموع هشت هزار و پنجاه و نه سهم اصل قنات قریه شمس آباد و تمام هزار سهم از مجموع ده هزار و پانصد و سی سهم اصل سهام قنات معروف به محدثه که قنات قریه اسفنجرد بود.
- ۱۶- تمام چهارصد و پانزده سهم از مجموع ده هزار و چهارصد و ده سهم از اصل قنات ابرند آباد.
- ۱۷- تمام یک سهم از اصل هشت سهم از قریه معروف گردفرامرز بود که از دهات ناحیه رستاق می‌باشد



- ۱۸- تمام هزار سهم از مجموع هشت هزار و هشتصد و چهل سهم اصل قنات قریه تفت از توابع بلوک قهستان یزد بود
- ۱۹- تمام سهمی که از قدیم بنام جمال الدوله در قریه فراشاه از توابع قهستان یزد بوده که این سهم مشتمل بر سه هزار و هفتصد و چهل و پنج سهم از مجموع شش هزار و هفتصد و شصت سهم قنات این قریه و باغها و اراضی و خانه ها و کاروان سراها و جاهای دیگر می باشد.
- ۲۰- تمام یکصد سهم مشاع از هزارها سهم و شصت سهم و هفت قفیز که اصل سهم قنوات قصبه مهرجرد از قصبات یزد است و یکی از آنها بنام بغدادآباد و دومی بنام بازندانان و سومی بنام مهرپادین و چهارمی بنام مذویر آباد بود.
- ۲۱- تمام یکصد و بیست و شش سهم از تمام هشت هزار و هفتاد و دو سهم اصل قنات قریه خورمیزاز دهات قصبه مهرجرد.
- ۲۲- تمام سیصد و بیست سهم از مجموع هفت هزار و پنجاه و سه سهم اصل سهام قنوات فهرج از دهات شهر یزد بود.
- ۲۳- تمام یکصد و سی سهم از مجموع هشت هزار و سیصد و بیست سهم اصل سهام قنات متعلق به قریه خویدک از توابع مهرجرد (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۳-۲۰).

جدول قنات‌های وقفی مدرسه رکنیه

ردیف	رقبه	مقدار	محل
۱	قنات	نصد و چهل و پنج سهم از شانزده هزار و هفتصد و هفتاد سهم که مجموع سهام هر یک از دو قنات تفت و نصیری	سهام قنات مریاباد
۲	قنات	چهار هزار و سیصد و چهارده سهم از تمام قنات مرو	سهام قنات مرو
۳	قنات	هشتاد و پنج سهم از مجموع شانزده هزار و نصد و هشتاد شش	سهام قنات نرسو باد
۴	قنات	سیصد و سی سهم از شانزده هزار و چهل سهم	بادین یا نادین از سهام قنات ابر
۵	قنات	چهار صد و هشت سهم از تمام چهارده هزار و چهل سهم	سهام قنات یعقوبی
۶	قنات	هفتاد و پنج سهم و نیم از جمله شانزده هزار و ششصد و چهل سهم	سهام قنات مبارکه و ابر
۷	قنات	پانصد سهم از مجموع دوازده هزار و هفتصد و چهل سهم	سهام قنات امیری
۸	قنات	سیصد و سی سهم از مجموع شانزده هزار و ششصد و چهل سهم	سهام قنات کثویه

۹	قنات	پانصد سهم از مجموع شانزده هزار و هفتصد و هفتاد سهم	سهام قنات سعدآباد با تمام ملعقات و همچنین سدها و جدولها و چاهها و نهرها و پسته‌کاری‌ها و مجاری آب‌ها و دشت
۱۰	قنات	سه سهم مشاع از بیست و چهار سهم	مجموع قنات مرسوم به قنات رئیس‌الدینی که منبع آن در صحرای نزدیک فراشاه است و آب آن بر اراضی قریه بزرگ تفت و نصیری جاری می‌شود
۱۱	قنات	نود و شش سهم	قنات قریه اشکذر از سهام مستر دایه.
۱۲	قنات	ششصد و هجده سهم مشاع از اصل نوزده هزار و هفتصد و پنجاه سهم	سهام قنات مجومرد که بنام مجومرد کهنه نامیده شده بود.
۱۳	قنات	پنجاه و یک سهم و نیم از مجموع ده‌هزار و نهصد و بیست سهم	سهام قنات حروب‌بر که مشهور به چهارده بود.
۱۴	قنات	یکصد سهم از مجموع ده‌هزار و هفتصد و پنجاه سهم	سهام قنات بندر آباد
۱۵	قنات	یکصد سهم از مجموع ده‌هزار و هفتصد و پنجاه سهم	سهام قنات‌های ملک‌آباد است که این دو قنات متعلق به قریه بندر آباد می‌باشد
۱۶	قنات	شصت سهم و نیم از مجموع هشت هزار و پنجاه و نه سهم	قنات قریه شمس‌آباد
۱۷	قنات	هزار سهم از مجموع ده‌هزار و پانصد و سی سهم	قنات قریه اسفنجرد
۱۸	قنات	چهارصد و پانزده سهم از مجموع ده‌هزار و چهارصد و ده سهم	سهام قنات ابرند آباد.
۱۹	قنات	یک سهم از اصل هشت سهم	سهام قنات قریه معروف گردفرامرز بود که از دهات ناحیه رستاق می‌باشد
۲۰	قنات	هزار سهم از مجموع هشت هزار و هشتصد و چهل سهم	قنات قریه تفت از توابع بلوک قهستان یزد بود.
۲۱	قنات	تمام سهمی که از قدیم بنام جمال‌الدوله	قریه فراشاه از توابع قهستان یزد بوده که این سهم مشتمل بر سه هزار و هفتصد و چهل و پنج سهم از مجموع شش هزار و هفتصد و شصت اصل قنات این قریه و باغ‌ها و اراضی و خانه‌ها و کاروان‌سراها و جاهای دیگر می‌باشد
۲۲	قنات	یکصد سهم مشاع از هزارها سهم و شصت سهم و هفت قفیز	سهام قنات قصبه مهرجرد از قصبات یزد است و یکی از آنها بنام بغداد آباد و دومی بنام بازندگان و سومی بنام مهریادین و چهارمی بنام مذویر آباد بود.
۲۳	قنات	یکصد و بیست و شش سهم از تمام هشت هزار و هفتاد و دو سهم	سهام قنات قریه خورمیزاز دهات قصبه مهرجرد.
۲۴	قنات	سیصد و بیست سهم از مجموع هفت هزار و پنجاه و سه سهم	سهام قنات فخرج از دهات شهر یزد بود.
۲۵	قنات	تمام یکصد و سی سهم از مجموع هشت هزار و سیصد و بیست سهم	سهام قنات متعلق به قریه خویذک از توابع مهرجرد



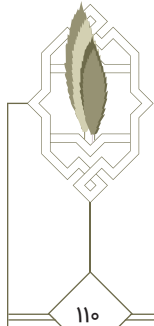
۲-۴. دکان‌های وقفی مدرسه رکنیه

- ۱- دکان بزرگ بین راه مهرجرد که واقع است در محل معروف بدرج جری محمود نانوا به ضمیمه اصطبل و حجره‌های که بر بالای آن ساخته شده محدود به حانوت (دکان بزرگ) ابوالحسن ابرقوئی و به مقبره ای که بنام مولای اعظم رکن‌الدین مشهور است.
- ۲- پنج دکان بزرگ متصل بهم محدود به دکان اسمعیل یهودی و خانه سید عزالدین و عماد الدین و خانه حاجی عصار و دکان مولای مخدوم اعظم عدل احکم قاضی قضاات عرب و عجم و رئیس ارباب شمشیر و قلم ناظم امور مسلمانان زنده کننده مراسم جدش خاتم‌النبین حجت خدا بر تمام خلق و شمس‌اله و خورشید حق و دین و دنیا که مورد عنایت پروردگار عالمیان بود و خداوند او را عزت دهد و محدود بود بشارع.
- ۳- دکان بزرگ با سه حجره که روی آن ساخته شده و هر یک از آن سه بدیگری متصل بود بدکان وقفی مسجد جامع و استراحتگاهی که منسوب به مولای اعظم واقف طاب ثراه می‌باشد و محدود بدکان خواجه اصیل‌الدین ابن شرف‌الدین اصیل و محدود بدکان تاج‌الدین حافظ و محدود براه.
- ۴- دکان بزرگ در محل دروازه گنبد محدود بدکان حاج تاج‌الدین عصار و دکان یحیی ابن علی ابن احمد و محدود است بشارع.
- ۵- دکانین بزرگ پنج گانه متصل بهم واقع در جاده سابقین که حدود آن تا دکان موقوفه خانقاه مخدوم رشیدی و تا دکان حاجی فرزند علی ابن قاسم و محمد ابن عمر ابن کامردو بخانه محمد ابن کامرد و براه امتداد دارد.
- ۶- تمام دکان محدود به بازار قصاب‌ها و بمستراح امیر محمد بکج و بدکان خواجه مفتاح اتابکی و براه می‌باشد.
- ۷- تمام دکان‌های واقع در بازار قصاب‌ها این دکان‌ها بیست و یک باب است بانضمام محلی که مطابق رسم و نقشه کبابی‌ها ساخته شده (شوآئین) یعنی سرخ کنندگان گوشت و حدود آن منتهی میشود بدکان موقوفه مسجد و بدکان مولای اعظم شرف‌الدین علی که همیشه بزرگ باشد و به کاروان‌سرائی که موروثی جمال‌الدین خواری بود و برباط و مستراح و به کاروان‌سرای موقوفه بر مدرسه محمود شاهی و باصطبل مشهور ملک شرف‌الدین امیر حسین و بخانه حاجی فرزند محمود ارویه و خواجه جمال‌الدین محدود می‌گردد.
- ۸- تمام شش دانگ دکانین چهارگانه متصل بهم که در محل دروازه قطریان واقع شده

- و حدود آن منتهی به کوچه و بدکان موقوفه مدرسه رشیدییه محدود است براه.
- ۹- تمام شش‌دانگ دکان واقع در بازار صراف‌ها محدود بدکان موقوفه مسجد جامع و کاروان‌سرای قطبی و دکان موقوفه بر خانقاه رشیدییه و محدود براه می‌باشد.
- ۱۰- تمام دکان واقع در درب مدرسه رکنیه در محل معروف به پامنار محدود است بدکان موقوفه بر مسجد و ایضا محدود است به مدرسه رکنیه و براه.
- ۱۱- تمام ده باب دکان واقع در بازاری که محاذی مدرسه رکنیه بوده و محدود است بحوض و راه خانه سید قطب‌الدین مرتضی و کاروان‌سرای حلاج‌ها.
- ۱۲- تمام سه باب دکان متصل بهم واقع در محل درب خانه جمال‌الدوله که محدود است بدکان موقوفه بر خانقاه و کاروان‌سرای رضی و بدرب خانه جمال‌الدوله و براه با تمام حقوق و توابع و حدود موافق آنها و آنچه که از دکان‌ها محسوب است از توابع و مضافات و ابنیه و نی‌ها و چوب‌های درخت خرما و فضا و محل ریزش باران از نادان و محل ریختن برف و رباط‌ها و ادوات و آلات و تمام منضمات و کلیه متعلقات داخلی و خارجی (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۰-۱۸).

جدول دکان‌های وقفی مدرسه رکنیه

ردیف	رقبه	تعداد	محل
۱	دکان	۱ دکان بزرگ	بین راه مهرجرد در محل معروف بدرب جری محمود نانوا به‌ضمیمه اصطبل و حجره‌ای که بر بالای آن ساخته شده محدود به حانوت
۲	دکان	۵ دکان بزرگ متصل بهم	محدود به دکان اسمعیل بیهودی و خانه سید عزالدین و عمادالدین و خانه حاجی عصار و دکان مولای مخدوم اعظم عدل احکم قاضی قضات
۳	دکان	۱ دکان بزرگ با ۳ حجره	به دکان وقفی مسجد جامع و استراحتگاهی که منسوب به سید رکن‌الدین می‌باشد و محدود به دکان خواجه اصیل‌الدین ابن شرف‌الدین اصیل و محدود به دکان تاج‌الدین حافظ و محدود براه.
۴	دکان	۱ دکان بزرگ	محل دروازه گنبد محدود به دکان حاج تاج‌الدین عصار و دکان یحیی ابن علی ابن احمد و محدود است به شارع.
۵	دکان	۵ دکان بزرگ	واقع در جاده سابقین که حدود آن تا دکان موقوفه خانقاه مخدوم رشیدییه و تا دکان حاجی فرزند علی ابن قاسم و محمد ابن عمران کماوردو به خانه محمد ابن کماورد و براه امتداد دارد.
۶	دکان	۱ دکان بزرگ	محدود به بازار قصاب‌ها و به مستراح امیرمحمد بکح و به دکان خواجه مفتاح اتابکی و براه می‌باشد.
۷	دکان	۲۱ دکان	واقع در بازار قصاب‌ها، حدود آن منتهی می‌شود به دکان موقوفه مسجد و به دکان مولای اعظم شرف‌الدین علی که همیشه بزرگ باشد و به کاروان‌سرای که موروثی جمال‌الدین خواری بود و به رباط و مستراح و به کاروان‌سرای موقوفه بر مدرسه محمود شاهی و به اصطبل مشهور ملک شرف‌الدین امیرحسین و به خانه حاجی فرزند محمود ارویه و خواجه جمال‌الدین محدود می‌گردد.



۸	دکان	شش‌دانگ دکاکین چهارگانه	در محل دروازه قطریان واقع شده و حدود آن منتهی به کوچه و به دکان موقوفه مدرسه رشیدییه محدود است براه
۹	دکان	شش‌دانگ دکان	بازار صراف‌ها محدود به دکان موقوفه مسجد جامع و کاروان‌سرای قطبی و دکان موقوفه بر خانقاه رشیدییه و محدود براه می‌باشد
۱۰	دکان	۱ دکان	واقع در درب مدرسه رکنیه در محل معروف به پامنار محدود است به دکان موقوفه بر مسجد و ایضاً محدود است به مدرسه رکنیه و براه
۱۱	دکان	۱۰ باب دکان	واقع در بازاری که محاذی مدرسه رکنیه بوده و محدود است به حوض و راه خانه سید قطب‌الدین مرتضی و کاروان‌سرای حلاج‌ها
۱۲	دکان	۳ باب دکان	واقع در محل درب‌خانه جمال‌الدوله که محدود است به دکان موقوفه بر خانقاه و کاروان‌سرای رضی و به درب خانه جمال‌الدوله

۴-۳. حمام‌های وقفی بر مدرسه رکنیه

- ۱- با آب‌های قنات تفت و نصیری جریان داشت که در درب مدرسه رکنیه و معروف به حمام قاضی بود و محدود به مسجد مدرسه رکنیه و همچنین محدود بود به خانه سید رکن‌الدین و همچنین محدود بود بخانه معروف بخانه محکمه و محدود بود به شارع و راهی که وارد آن می‌شوند (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۷).
- ۲- حمام واقع در دروازه اتابک که حدود آن منتهی بخانه و باغچه سید رکن‌الدین می‌باشد و همچنین منتهی میشود بمسجد معروف به مسجد در سرای و محدود است بشارع که مدخل حمام در آن واقع است (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۸).

جدول حمام‌های وقفی بر مدرسه رکنیه

ردیف	رقبه	تعداد	محل
۱	حمام	۱	در درب مدرسه رکنیه و معروف به حمام قاضی بود و محدود بود به مسجد مدرسه رکنیه و همچنین محدود بود به خانه سید رکن‌الدین
۲	حمام	۱	واقع در دروازه اتابک که حدود آن منتهی به خانه و باغچه سید رکن‌الدین می‌باشد و همچنین منتهی می‌شود به مسجد

۴-۴. کاروان‌سرای وقفی بر مدرسه رکنیه

- ۱- معروف به کاروان‌سرای حلاجان که در درب مدرسه رکنیه واقع بود و حدود آن منتهی به خانه مرتضی و به خانقاه مخدوم بنام رشیدییه و بشارع که راه و مدخل آن در همین حد بود (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۱۷).
- ۲- کاروان‌سرای واقع در دروازه قطریان معروف به کاروان‌سرای سعداویه محدود بحد

مستراح منسوب به امیر مبارزالدین محمد و شارع و کاروان‌سرای عمر ابن اقبال و اصطبل و یک حجره متعلق به سید شرف‌الدین آوجی و دکان مولای اعظم شرف‌الدین امیر حسین که همیشه معظم باشد و محدود براه و مدخل کاروان‌سرا در این حد بود.

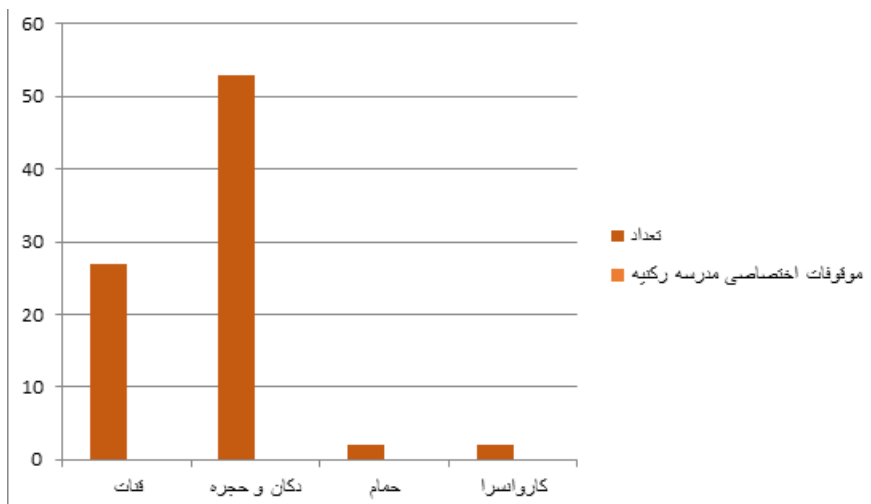
جدول کاروان‌سرای وقفی بر مدرسه رکنیه

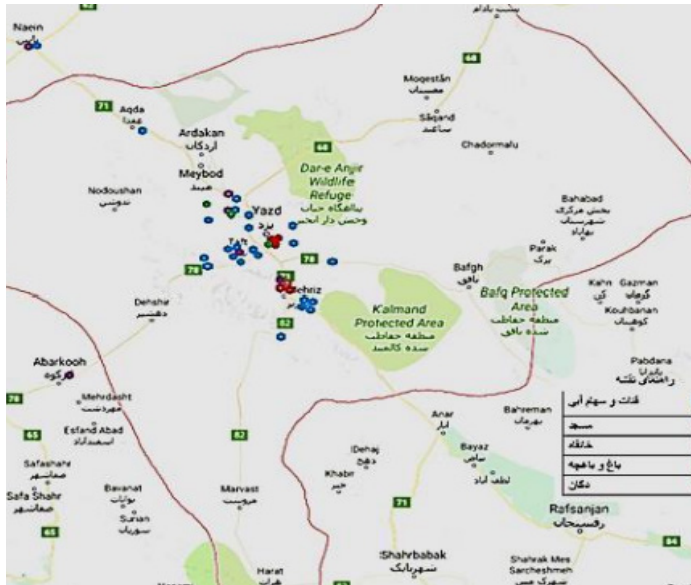
ردیف	رقبه	تعداد	محل
۱	کاروان‌سرا	۱	کاروان‌سرای حلاجان که در درب مدرسه رکنیه واقع بود و حدود آن منتهی به خانه مرتضی و به خانقاه مخدوم بنام رشیدییه
۲	کاروان‌سرا	۱	واقع در دروازه قطریان معروف به کاروان‌سرای سعداویه

جدول موقوفات اختصاصی مدرسه رکنیه

ردیف	نوع موقوفه	تعداد ملک	محل	منبع	صفحه
۱	قنات‌ها	۲۷	یزد و قصبات و دهات اطراف آن، مرو	جامع‌الخیرات	۱۶،۱۷،۲۰،۲۳
۲	دکان‌ها و حجره‌ها	۵۳	بازار قصاب‌ها، بازار صراف‌ها، پامنا، دروازه گنبد، دروازه قطریان	جامع‌الخیرات	۱۸ تا ۲۰
۳	حمام‌ها	۲	دروازه اتابک، جنب مدرسه رکنیه	جامع‌الخیرات	۱۷،۱۸
۴	کاروان‌سراها	۲	دروازه قطریان، درب مدرسه رکنیه	جامع‌الخیرات	۱۷

نمودار (۳) موقوفات اختصاصی مدرسه رکنیه





نقشه شماره (۱) نقشه پراکندگی موقوفات سید رکن‌الدین یزدی

"به مدرسی که علوم دینی و بدنی تدریس می‌کند هر سال مبلغ سیصد و شصت دینار پول رایج به‌علاوه دو هزار من گندم و چاودار^۱ معادل چهارصد درهم پرداخت گردد. برای مقرری معید که درس استاد را تقریر می‌کند و مشکلات درس استاد را حل می‌نماید و طلاب را ارشاد و راهنمایی می‌کند سالانه یک‌صد و بیست دینار عین رایج و هزار من غله و چاودار به‌صورت نصف‌نصف پرداخت گردد. تحصیل در این مدرسه طبق شرایط سخت و خاصی بوده، ورود و خروج این مدرسه کنترل می‌شده و هر کسی اجازه ورود به مدرسه را نداشته بود و به درباری که چنین مسئولیتی بر عهده داشته، سالانه پانصد من گندم و چاودار پرداخت می‌شد (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۶). در هر زمان بیش از ده نفر نمی‌توانستند در این مدرسه تحصیل کنند، اما طلاب این مدرسه از کمک هزینه برخوردار بوده و از حقوقی معادل ششصد دینار عین رایج و سه هزار و ششصد من غله شامل گندم و چاودار بالمناصفه برخوردار بوده‌اند. یعنی برای هر طلبه در هر سال شصت دینار و سیصد و شصت من غله شامل گندم و چاودار بالمناصفه پرداخت می‌گردید. همچنین غذای آنها رایگان بوده و حقوق آشپزی که برای ساکنان مدرسه غذا تهیه می‌کرده معادل

۱. گیاهی از نوع غلات که ارتفاعش تا دو متر هم می‌رسد. خوشه‌های دراز و برگ‌های پهن دارد. بیشتر در زمین‌های خشک و آهکی می‌روید، دانه‌هایش برای تهیه آرد و نان بکار می‌رفت.

صد و هشتاد من غله شامل گندم و چاودار بالمنصفه بود (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷-۲۴) بعد از آنکه سید رکن‌الدین تمام موقوفات را از هر جهت از حیز ملکیت و تصرف و تملک خود خارج ساخته و مصارف محصولات و درآمد آنها را تعیین نموده و کارکنان و کارمندان و کسانی را که از محل درآمد املاک باید ارتزاق نمایند و مخارجی را که برای حفظ و نگهداری بقاع موقوفه لازم است. بر متولی شرط کرده که از اولین درآمد موقوفات باید صرف تعمیرات رقبات موقوفه نمایند، و آن‌هم از درآمدهای سهام مشترک بین واقف و شرکاء دیگر ملک باید باشد و سپس باید خرج بقعه مذکوره و احتیاجات دیگر بقعه از قبیل فرش، زیلو و حصیر و بوریا و ظروفی که محتاج باشد مثل دیگ‌های بزرگ و کوچک و ظرف‌های مسی و سینی و کوزه و کاسه و جارو بنا به اهمیت آنها که لابد منه و طرف احتیاج ضروری هستند (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۷-۲۴)

۵. کتابخانه مدرسه رکنیه

خواجه رشیدالدین فضل‌الله مدتی در یزد اقامت داشت، و هر کتابی که از میزبانان "شرف‌الدین علی" طلب می‌کرد، وی برایش تهیه کرده به او می‌داد، شاید کتابخانه‌ای که شرف‌الدین کتاب‌هایش را از آنجا تهیه می‌کرد همین کتابخانه سید رکن‌الدین باشد (کاتب، ۲۵۳۷: ۱۳۶). که تعداد کتاب‌های این کتابخانه سه هزار کتاب در فنون مختلف ذکر شده بود (کاتب، ۲۵۳۷: ۱۲۵). از شرایط امانت گرفتن کتاب از این کتابخانه جهت مطالعه یا استنساخ این بود که گروهی معادل قیمت کتاب از شخص گرفته شود. به تصدی کتابخانه نیز حقوقی معادل پانصد من غله در سال داده می‌شد (حسینی یزدی، ۱۳۶۶: ۲۶)

به نظر می‌رسد که مدرسه رکنیه هسته اصلی موقوفات سید رکن‌الدین محمد را تشکیل می‌دهد و عمده موقوفات وی به این مدرسه اختصاص داده شد که این مدرسه دارای قسمت‌های مختلفی از جمله مسجد، بیت‌الادویه، رصدخانه و کتابخانه هزارجلدی در موضوعات مختلف بوده است و آموزش علوم دینی و طب در این مدرسه ارائه می‌شد. سید رکن‌الدین بهترین و مرغوب‌ترین املاک و دارایی‌های خود را صرف این مدرسه نمود و تأمین مخارج و هزینه‌های مدرسان، معیدان و طلاب و... به طور ماهانه و مستمر و به‌صورت نقدی و جنسی پرداخت می‌شد



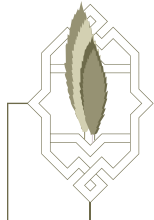
جدول هزینه‌ها و مخارج سالانه مدرسه رکنیه

مخارج و دستمزدهای سالانه	جنسی (من غله)	نقدی (دینار)
مدرس	۲۰۰۰	۳۶۰
مقرر	۱۰۰۰	۱۲۰
طلاب	۳۶۰۰	۶۰۰
امام مدرسه	۱۰۰۰	-
حافظان قرآن	۲۱۶۰	-
واعظ	۶۰۰	-
مؤذن	۷۲۰	-
کتابدار	۵۰۰	-
مواظب غذا	۵۰۰	-
شب‌های ماه رمضان	۳۰۰۰	۳۰۰۰
دریان	۵۰۰	-
فراش	۵۰۰	-
طبایخ	۱۸۰	-
طیب	۱۰۰۰	-
جشن میلاد پیامبر	-	۱۰۰
رصدخانه	-	۳۶۰
دارو	۳۶۰	-
انباردار دارو	۳۶۰	-
دریان دارالشفای	۳۶۰	-
شیرینی شب رغائب	-	۱۵
دارالشفای	۱۰۰۰۰	-
اطعام فقرا در هر شب جمعه	۲۵۰ عدد نان گندم	۱۰۰
فقرای مکه و مدینه	-	۱۰۰۰
پذیرایی مردم و قاریان شب‌های جمعه	-	۳۰+۱/۳
کفن و دفن فقرای مسلمان	-	۲۰۰
خرج حوض و کوزه	-	۵۰
متولی	۳۰۰۰ من غله	-
غذا و شیرینی عیدین	-	۱۰۰ (هر عید ۵۰ دینار)
شیرینی و چراغانی نیمه شعبان	-	۳۵
روشنایی و چراغ و شمع مدرسه	-	۱۰۰
پوشاک زنان محتاج و مستحق	-	۵۰
تعمیر نهر زیر وضوخانه و روشنایی آن در شب	۲۰	-
ناظر	-	۱۰۰۰

نتیجه‌گیری

در قرن هفتم هجری که حمله مغول و فجایع آن همه چیز را دگرگون کرد وقف نیز از این آفت در امان نماند، اما حضور ایرانیان در دستگاه مغولان همچون خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی که تصدی غیررسمی تشکیلات وقف را بر عهده داشت، توانست به‌منظور احیای اوقاف گام‌های مستحکمی بردارد. تلاش‌های وی موجب شد تا بار دیگر فرهنگ و سنن اسلامی از جمله موقوفات و احیای مساجد و مراکز علمی مانند مراکز علوم دینی، رصدخانه و کتابخانه از محل درآمد موقوفات تأسیس و اداره شود. در این دوره بیشتر از طریق درآمد حاصله از موقوفات مدارس، مراکز آموزشی ایجاد می‌شد، و موقوفات بهترین و مهم‌ترین منبع درآمد برای تعلیم و تعلم در جوامع اسلامی بوده است و استمرار فعالیت‌های آموزشی به این منبع مالی بستگی داشته است.

یزد با تدابیر خاندان رکن‌الدین یزدی که با اطاعت از مغولان مانع تخریب ولایات و مراکز علمی خود شدند بستر مناسبی برای پیشرفت دانش و انتقال آن به نسل‌های بعد را فراهم کرد. در اواخر دوره ایلخانان، باید به موقوفات خاندان رکن‌الدین یزدی در زمینه علمی و فرهنگی و ساخت مدارس که در سایه موقوفات فراوان بود اشاره کرد. علما و طلاب در این مرکز علمی که در سایه حمایت خاندان‌های حکومتی رکن‌الدین یزدی پدیدآمده بودند توجه خاصی داشتند. از این راه تأمین مخارج و هزینه‌های مدرسان، طلاب، ساخت کتابخانه‌ها و رصدخانه‌ها به پشتوانه این موقوفات انجام می‌گرفت و اهل علم با حمایت مالی موقوفات و با آسایش نسبی موفق به نشر علم و فرهنگ شدند.



کتابنامه

- آیتی، عبدالحمید (۱۳۴۶). *تحریر تاریخ و صاف*، تهران: چاپخانه ملی.
- افشار، ایرج (۱۳۵۴). *یادگارهای یزد معرفی ابنیه تاریخی و آثار باستانی شهر یزد*، ج ۲، تهران: انجمن آثار ملی.
- بیانی، شیرین (۱۳۷۱). *دین و دولت*، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- پطروشفسکی، ایلیا پاولیچ (۱۳۶۳). *اسلام در ایران از هجرت تا پایان قرن ۹ هجری*، کریم کشاورز، تهران: انتشارات پیام، ج ۷.
- جعفری، جعفر بن محمد بن حسن (۱۳۴۳). *تاریخ یزد*، بکوشش ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی، ج ۲.
- حسینی یزدی، غلامعلی (۱۳۶۶). *جامع الخیرات*، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- رجب زاده، هاشم (۱۳۵۵). *آیین کشورداری در عهد وزارت رشید الدین فضل الله همدانی*، تهران: انتشارات توس.
- سلطان زاده، حسین (۱۳۶۴). *تاریخ مدارس ایران از عهد باستان تا تاسیس دارالفنون*، تهران: آگاه.
- فقیه اسفندیاری، مصطفی (۱۳۹۰). «نقش مدارس موقوفه در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی»، *فصل نامه علمی پژوهشی تاریخ*، سال ششم، ش ۲۳.
- کاتب، احمد بن حسین بن علی (۲۵۳۷). *تاریخ جدید یزد*، بکوشش ایرج افشار، تهران: امیرکبیر، ج ۲.
- لمبتن، آن (۱۳۹۶). *تداوم و تحول در تاریخ میانه ایران*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: نشر نی، ۱۳۹۶، ج ۵.
- مستوفی بافقی، محمدمفید (۱۳۴۰). *جامع مفیدی*، ج ۳، بکوشش ایرج افشار، تهران: اساطیر.
- همدانی، رشیدالدین فضل الله (۲۵۳۶). *وقف نامه ربیع رشیدی*، به کوشش مجتبی مینوی- ایرج افشار، تهران: امیرکبیر.